

داشتن حساب در بانک

۴ - معامله بروات

از بدهی او باقیماند بوسیله برات های مزبور بانک بتواند طلب خود را مطالبه کند - در عمل غالباً بانک ها بروات مزبور را در موقع سر رسید بدهی تنزیل کرده پول آن را بحساب مشتری میگذارند و بدین طریق عمل تضمین بعمل تنزیل مبدل میشود و بانک بموجب مقررات قانون تجارت حق خود را از مشتری مطالبه خواهد نمود.

۳) خرید برات

گاهی مشتری بروات دیداری یا مدت دار را ببنام میفروشد و در مقابل پرداخت مبلغی بعنوان صرف پول آن را نقداً دریافت میکند - در این حال مشتری باید برات را بنام بانک پشت نویسی کند و اگر برات گیر از پرداخت پول برات خود داری کرد بانک ب مشتری و سایر امضاء کنندگان مراجعه خواهد نمود - این معامله فقط در مورد مشتریان درجه اول که محل اعتماد بانک باشند قبول می شود و همچنین برواتی که اسناد حمل کالا همراه داشته باشند بدین شکل خریداری میشوند - در مورد بروات ارزی که امروزه در معرض جستجوی همه بانکها میباشد نیز غالباً تسهیلاتی از این قبیل مراعات میگردد.

۴) تنزیل برات

طریقه چهارم که از همه بیشتر معامله میشود تنزیل برات است بدین طریق که مشتری يك یا چند برات را که از بدهکاران خود دریافت کرده یا شخصاً نوشته است بنام بانک پشت نویسی کرده تسلیم آن مینماید و در مقابل پول برات پس از کسر تنزیل بحساب جاری او گذاشته میشود.

معامله تنزیل برات را ب سه شکل میتوان بیان نمود: اولاً میتوان آنرا معاوضه يك برات بانگ مبلغی در

در اغلب معاملات بانکی رد و بدل کردن برات پیش میآید و مخصوصاً بانک ها از مشتریان خود و از بانکهای دیگر بعنوان مختلف برات قبول مینمایند که میتوان آنها را ب چهار دسته تقسیم کرد بدین قرار:

۱) تسلیم بروات وصولی ببنام

در این معامله بروات بطور امانت ببنام سپرده شده و بانک بنماینده صاحب برات ببرات گیر مراجعه و پول آنرا بحساب صاحب برات وصول میکند و پس از وصول پول برات را به حساب مشتری میگذارد بدین طریق هیچگونه گونه خسارتی ممکن نیست متوجه بانک شود زیرا تا وقتی پول برات وصول نشود حساب مشتری بستانکار نخواهد شد.

از طرف دیگر تا وقتی پول برات وصول نشده مشتری مالک برات خود است و میتواند کالته را که ببنام داده است فسخ کند و برات را از بانک پس بگیرد اگر چه بانک ورشکست شده باشد ولی اگر پس از وصول پول برات و بردن آن بحساب مشتری بانک ورشکست شود مشتری در حکم سایر طلبکاران بانک خواهد بود و امتیازی بر آنها نخواهد داشت.

۲) تسلیم برات به بانک برای تضمین مانده

بدهکار حساب

غالباً بانک های بزرگ که فقط ب مشتریان درجه اول معامله دارند از کسانی که تازه با آنها معامله میکنند علاوه بر سایر تضمینات برائتهائی متناسب میزان اعتباری که ب مشتری میدهند بامضای او میروسانند تا اگر مشتری تعهدات خود را در هنگام سر رسید انجام نداد یا چیزی

حساب جاری دانست .

ثانياً ميتوان آنرا دو معامله جداگانه فرض کرد که در معامله اول مشتری بابت نویسی سند و تسلیم آن به بانک مال خود را منتقل بپانک مینماید و از بانک برابر آن طلبکار میشود و در معامله دوم بانک مبلغی برابر بهای سند به حساب مشتری وارد میکند بطوریکه با سایر اقلام حساب توأم و غیر قابل تفکیک میگردد .

ثالثاً ميتوان فرض کرد که در معامله اول بانک مبلغی پیش برداخت در حساب جاری به مشتری میدهد و در برابر آن برواتی برای تضمین دین از مشتری دریافت می کند - اگر معامله تنزیل برات را بطریق اخیر در نظر بگیریم آن وقت موضوع انتقال مالکیت برات پیش نمی آید و چنانچه برات ها در سر رسید پرداخت نشد بانک مستقیماً به مشتری خود مراجعه کرده و متعزض سایر امضا کنندگان برات نخواهد شد . در اینجا ميتوانیم بگوئیم که چون مشتری براتها را بنام بانک پشت نویسی کرده و آنرا بپانک منتقل میکند و بانک نیز برابر آن حساب او را بستانکار مینماید بنا براین برات متعلق بپانک می گردد و موضوع سپردن برات و وکالت وصول آن در بین نیست و اگر بانک ورشکست شود مشتری ادعائی بر عین برات خود نمیتواند کرد و در حکم سایر طلب کاران است بنا بر این اگر پس از تسلیم برات آنرا بپانک منتقل شده بدانیم چنانچه برات در موقع سر رسید نکول شد بانک حق نخواهد داشت برابر پول آن حساب مشتری را بده کار و برات را برگشت نماید - ولی اگر بخواهیم تسلیم برات را بعنوان تضمین پیش پرداخت فرض کنیم در صورت نکول برات گیر بانک حساب مشتری را بدهکار کرده براتها را باو پس خواهد داد .

ولی در هر حال چون در صورت نکول برات بانک میتواند بوسیله يك برات رجوعی مشتری را بعنوان امضا کننده برات تعقیب کند حق خواهد داشت حساب او را در نزد خود بدهکار نماید بدین طریق اقدام بانک را برای وصول

طلب خود بدو شکل ميتوانیم در نظر بگیریم :

اولاً مراجعه به مشتری از نظر اینکه مشتری خود یکی از پشت نویسان برات میباشد و بانک وقتی به مشتری مراجعه میکند که سایر پشت نویسان مراجعه کرده و نتواند از آنها چیزی وصول کند و در این صورت برابر بهای بروات حساب مشتری را بدهکار خواهد کرد - اگر فقط قسمتی از پول بروات از سایر امضا کنندگان وصول شد بانک فقط برابر تتمه آن حساب مشتری را بدهکار خواهد کرد .

ثانياً اگر بانک از نظر فسخ اعتباریکه داده است حساب مشتری را بدهکار کند در این صورت باید برات ها را باو مسترد دارد و بنا براین وسیله ای برای مراجعه به مشتری جز اقلام حساب جاری او در نزد بانک باقی نمیماند زیرا بانک حق ندارد پس از بدهکار کردن حساب مشتری بروات را نزد خود نگه داشته و از لحاظ پشت نویسی برات نیز از مشتری ادعائی بنماید .

ولی بعنوان تضمین مانده بدهکار حساب مشتری (در صورتیکه مانده حساب بدهکار باشد) بانک میتواند بروات را باو پس ندهد و سایر امضا کنندگان برای وصول تتمه طلب خود مراجعه کند در این صورت همین که مانده حساب وصول شد بانک دیگر حق مراجعه و مطالبه نداشته و باید بروات را باو گذارند مسترد دارد .

بطور خلاصه از سطور بالا ميتوانیم چنین نتیجه بگیریم که بدهکار کردن حساب مشتری حق مالکیت بانک را از بروات سلب نمیکند یعنی ميتوان گفت در موقع تنزیل بروات دو قرارداد ضمنی مورد قبول طرفین واقع میشود اول قرار داد اعتبار نزولی در حساب جاری ثانياً يك قرار داد فرعی و مشروط بفسخ قرار داد اولی راجع بتسلیم بروات بعنوان تضمین مانده حساب .

در اینجا مناسب است متذکر گردیم که غالباً بانک ها معاملات موقتی با مشتریان خود را برای اطمینان و

اولاً فرض میکنیم يك مشتری ورشکست شود و حساب او مثلاً ۵۰۰۰ ریال بستان کار باشد و ضمناً ۵۰۰۰ ریال برات ببانک سپرده که سررسید آن بعد از تاریخ ورشکستگی باشد در این صورت صلاح بانک در اینست که بروات را بعنوان تضمین شمرده ۵۰۰۰ ریال بهای آنرا برگشت داده بروات را ب مشتری پس بدهد و حساب را تصفیه کند.

ثانیاً اگر بالعکس حساب مشتری مثلاً ۵۰۰۰ ریال بدهکار باشد و ۵۰۰۰ ریال هم برات ببانک داده باشد در این صورت اگر بانک برابر ۵۰۰۰ ریال بهای برات ها حساب مشتری را بدهکار کند یعنی بهای بروات را برگشت دهد طلب او از مشتری ۱۰۰۰۰ ریال شده و باید برابر آن در تصفیه ورشکستگی شرکت کند و ممکن است چند درصد مختصری نصیب او شود در صورتیکه اگر برات ها را نگه داشته از برگشت بهای آنها در حساب صرف نظر کند ممکن است ۵۰۰۰ ریال بهای آنها را از سایر امضاء کنندگان بوسیله برات رجوعی تماماً وصول کند و برای ۵۰۰۰ ریال دیگر در تصفیه ورشکستگی شرکت نماید.

اکنون که موضوع برگشت بروات پرداخت نشده و فرض های مختلف آن معلوم گردید گوئیم اصولاً برگشت دادن بروات تنزیل شده برای بانک حق مسلمی میباشد زیرا در صورت نکول بروات و یا بهر علتی که برات ها را غیر قابل وصول کنديکی از شرایط اصلی تنزیل که ارزش داشتن بروات است از بین میرود و بنا بر این بانک هم حق خواهد داشت اعتبار داده شده را فسخ کرده بروات را بحساب مشتری برگشت دهد.

بعلاوه در تسلیم بروات ببانک شرط وصول پول آنها ضمنی و مورد قبول طرفین میباشد و بانک آن ها را بشرطی میپذیرد که وصول شوند و بنا بر این اعتباری که ب مشتری در حساب جاری داده میشود و بستانکار شدن حساب او موقتی میباشد و چون شرط معامله که وصول

سرعت عمل بصورت قطعی انجام میدهند و پس از ختم معامله آنرا برگشت مینمایند مثلاً در مورد پیش پرداخت باعتبار اوراق بهادار بانام اگر چه تسلیم اوراق مزبور به بانک فقط برای تضمین وام است نه فروش و انتقال آنها معیناً ابتدا آنها را بانام بانک منتقل کرده و انتقال را در دفتر های شرکت اصلی به ثبت میرسانند و پس از آن پول ب مشتری میدهند.

در معامله تنزیل نیز همین عرف بانکی پیش میآید یعنی اگر چه بروات بطور قطع بانام بانک پشت نویسی شده ولی میتوانیم آنرا موقت بدانیم و در قرار داد فرعی و مشروطی که در بالا ذکر کرده ایم با وجود پشت نویسی قطعی بروات آنها را فقط برای تضمین وام فرض کنیم.

از دو نظر فوق دو موضوع نتیجه میشود.

اول اینکه در صورت اقدام بطریق اول یعنی مراجعه ب مشتری از لحاظ پشت نویسی برات باید حساب مشتری را برابر مبلغ برات باضافه هزینه و اخواست و سایر هزینه ها بدهکار کرد در صورتیکه اگر طریق دوم یعنی فسخ اعتبار صحیح باشد حساب مشتری را فقط برابر پیش پرداختی که با داده ایم باید بدهکار کنیم.

دوم آنکه اگر به سببی مانند ورشکستگی بانک یا مشتری حساب بسته شود دیگر نمیتوان از نظر مراجعه با امضاء کننده برات رقم مربوط را بحساب برد بلکه حساب بطور قطع بسته شده و مراجعه مزبور باید مانند سایر طلب کاران صورت گیرد در صورتیکه با در نظر گرفتن طریق دوم بدهکار کردن حساب مشتری که عمل تکمیلی حساب اوست ممکن میگردد.

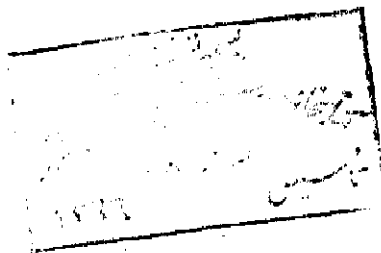
دو فرض مزبور در صورت ورشکستگی بانک تأثیری در نتیجه حاصل از برای مشتری ندارد زیرا در هر حال او برابر جمع بدهی خود از بانک مطالبه خواهد نمود بالعکس اگر مشتری ورشکست شود برای بانک تفاوت زیاد خواهد داشت زیرا:

بول برات است اجرانشده بانك هم حق دارد از اجرای تعهد خود استنكاف نماید یعنی اعتبار را مسترد داشته حساب مشتری را بدهكار كند.

ممکن است طرفین برای سهولت کار و پیش بینی هر گونه اشکال بعدی حق برگشت یا عدم آن را (در صورت لاوصول ماندن بروات) در قرار داد معامله ذکر نمایند و دادن اعتبار بانك را موقتی بشمارند و چنانچه این شرط جزء شرایط معمولی معاملات بانك باشد میتوانیم بدون عقد قرار داد مخصوص آن را ضمناً مورد قبول مشتری بدانیم در هر حال چون اصولاً این شرط برای حفظ منافع بانك است در قرار دادها و عمل بانكها اختیار برگشت یا عدم برگشت بنظر بانك

و اگذار میشود تا هر موقع مناسب باشد این عمل را انجام دهد و نیز باید دانست که این حق برگشت منحصر ببروات سررسیده نمیباشد بلکه هر موقع بانك اعتبار مشتری خود را متزلزل دید میتواند باین عمل اقدام کند زیرا شرط اصلی معامله قابل وصول بودن برات است و بسبب تزلزل اعتبار مشتری اطمینان از وصول بروات نیز متزلزل میگردد و بانك حق برگشت دادن بروات را پیدا میکند معمولاً بانكها در قرارداد های اعتبارات تزلولی و پیش پرداخت های خود شرایط صریح برای پیش بینی مناقشات بعدی مانند آنچه شرح داده ایم ذکر کرده به امضای مشتری مبرسانند.

حسن رستگار



تسامح در ماده ۱۲۸

آئین نامه قانون ثبت

در ماده ۱۲۸ آئین نامه قانون ثبت اسناد و املاك در حوزه که محقق ثبت موجود باشد رسیدگی موارد ذیل را از خصائص محقق نامبرده دانسته اول در صورتی که میزان اختلاف از ده هزار ریال تجاوز نکند و دوم در صورتی که درخواست ثبت راجع بقنات یا چشمه سار مشاع و یا هر ملك مشاع دیگر بوده و سهامی که درخواست ثبت آن شده مجموعاً بیش از سهام واقعی ملك یا قنات یا چشمه سار بشود و سهم هر یک از شرکا ده هزار ریال یا کمتر باشد.

در ماده ۱۲۹ رأی محقق ثبت را در مورد ماده بالا قابل رسیدگی پژوهشی و فرجامی قرار داده و مجدد در ماده ۱۳۰ بطور عموم مقسم مندرجه در بند دوم از ماده ۱۲۸ را بدون رعایت حد نصاب مندرجه در ماده ۱۲۸ را (که

اشتباهها ۱۲۷ نوشته است) از موارد صلاحیت محقق ثبت و بلکه از وظایف مشارالیه قرار داده است عده از دانشمندان در سه شماره از شماره های مجموعه حقوقی سال سوم تحقیقات و توضیحاتی در اطراف مواد مزبوره نگاشته اند که بنده جز با نظر استفاده و تقدیس بآنها نظری ندارم و تنها امیدواریم در این خصوص این است که متانت مجموعه حقوقی محفوظ مانده روش نگارشات روزنامه بخود نگیرد و بسهم خود نیز با رعایت تلخیص می خواهم اظهار نمایم باینکه در ماده ۱۲۸ تسامحی واقع شده که بر اثر آن تسامح تنافی در تکراری باماده ۱۳۰ پیدا شده است.

بیان قضیه

سهام رقیبات مشاعی را در بند دوم از ماده نامبرده بدو بهره بخش نمودن و بهره را که ارزش هر یک از